

«امنیت در منطقه خلیج فارس، تبعیض‌پذیر نیست، زیرا اگر منطقه امن باشد، همه کشورهای منطقه از آن سود خواهند برد، ولی اگر امنیت منطقه خدشه‌دار شود، همه کشورهای این منطقه نیز ناامن و متضرر خواهند شد.» (۸۹/۲/۲۹)

نأملی بر قلمروسازی و قلمروگستری امارات متحده عربی در خلیج فارس (با تأکید بر جدیدترین قلمروسازی‌ها)

عمران راستی^۱، اسکندر مرادی^۲، علی اشرفی^۳ و رضا التیامی‌نیا^۴

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۱۷

چکیده

قلمروسازی یکی از مفاهیم کلیدی جغرافیای سیاسی است. در چند سال اخیر کشور امارات، اقدام‌هایی در زمینه قلمروگستری در خلیج فارس انجام داده است. اقدام نخست، احداث جزایر مصنوعی، اغلب در سواحل دبی است. اقدام دیگر اعلام نقاط خط مبدأ مستقیم امارات در قسمتی از سواحل ابوظبی در سال ۲۰۰۹ بوده است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به کمک اسناد حقوقی ثبت شده در سازمان ملل، روند قلمروسازی این کشور را در خلیج فارس مورد بررسی قرار داده و با استفاده از نرم‌افزار ARCGIS در نقشه، ترسیم نموده است. نتایج تجزیه و تحلیل کارتوگرافیکی این قلمروسازی‌ها حاکی از آن است که سطح قابل توجهی از آب‌ها پشت خط مبدأ امارات به‌عنوان آب داخلی قرار گرفته و محدوده دریای سرزمینی امارات و دیگر قلمروها نیز پیشروی داشته است. این اقدام‌ها پیامدهای مختلف زیست محیطی، حقوقی، سرزمینی و امنیتی به همراه داشته است که در این مقاله با آنها، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: قلمروسازی، خلیج فارس، امارات متحده عربی، مرز فلات قاره، جزایر مصنوعی

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه بیرجند Email: e1356rasti@yahoo.com

۲. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور کردستان.

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند، کارشناس ارشد GIS و سنجش از دور.

۴. دکترای جغرافیای سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه یاسوج.

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله

از نیمه دوم قرن بیستم و به ویژه چند دهه پایانی آن، دریاها و قلمروسازی در دریاها برای کشورها اهمیتی بالایی یافت؛ به گونه‌ای که ایو لاکست در کتاب «مسائل ژئوپلیتیک اسلام، دریا و آفریقا» که در سال ۱۹۸۸ انتشار یافت، یادآور شد که در بیست سال اخیر، مهم‌ترین و تازه‌ترین دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، بر روی قاره‌ها به وجود نیامده‌اند: هر چند در فراسوی جو، افزایش ماهواره‌های تجسسی و مخابراتی، امکانات بالقوه نیروی هوایی و ارتباطات از راه دور را توسعه می‌بخشند، اما دگرگونی‌ها در دریا به مراتب بزرگ‌تر است و در حقیقت در دریا، زیررویی‌هایی در زمینه داده‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در ابعاد جهانی مطرح است و این دگرگونی‌ها آن قدر بنیادی هستند که می‌توان تصور کرد که بی‌تردید برای همیشه جایگزین شده‌اند. نخستین دگرگونی، ضمیمه کردن گستره‌های وسیع دریایی از سوی کشورهاست. در حالی که از قرن‌ها یا از هزارها سال پیش، کشورها تنها بر سرزمین‌های بیرون از آب مناقشه داشته‌اند، امروزه بر روی دریاها و اقیانوس‌ها، هر یک می‌کوشند تا حداکثر اشکال مختلف حاکمیت خود را افزایش دهند. بر روی نقشه‌ها، مرزها از میان آب‌های دریاها ترسیم شده‌اند. مشاجره بر سر حقوق تاریخی در مورد تخته‌سنگ‌هایی جریان دارد که آماج امواجند و از همه چیز، دور افتاده‌اند. آنها با استفاده از اشکال زمین‌شناسی زیردریایی در صدند حقوق طبیعی خود را در مورد ضمیمه‌سازی کف دریاها بنیان نهند؛ به ویژه اگر در این مناطق، نفت وجود داشته باشد.

خلیج فارس از جمله پهنه‌های آبی مهم دنیاست که برخی از راهبردی‌پردازان از آن تعبیر به کانون انرژی دنیا می‌کنند. بدیهی است قلمروسازی در این پهنه آبی که سرشار از منابع و میادین نفت و گاز می‌باشد، از اهمیت بسیار بالایی برای همسایگانش برخوردار می‌باشد. هر یک از هشت کشور حاشیه خلیج فارس در زمینه قلمروسازی در

خلیج فارس اقدام‌هایی را انجام داده‌اند و مناطق دریایی خود را اعلام نموده‌اند. همچنین از آنجا که پهنای کم خلیج فارس، اجازه گسترش تمام قلمروهای پیش‌بینی شده را برای کشورهای ساحلی نمی‌دهد و از آنجا که تمام محدوده خلیج فارس در زمره فلات قاره جای می‌گیرد، بنابراین کشورهای همسایه و روبه‌رو به تعیین مرزهای فلات قاره خود با همسایگان اقدام نموده‌اند که تعدادی از این مرزها، تعیین و تحدید شده و رسمیت یافته‌اند و قطعاتی، هنوز تعیین و تحدید نشده، باقی مانده‌اند. امارات یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس است که در زمینه قلمروسازی در خلیج فارس اقدام‌هایی را انجام داده است. برای مثال قوانینی را در خصوص تعیین مناطق دریایی تصویب نموده است، اما این کشور در زمینه تعیین مرزهای فلات قاره با همسایگانش و همچنین مرزهای فلات قاره بین امارت‌های هفتگانه، راهی طولانی را پیش‌رو دارد، اما آنچه انگیزه نگارش این مقاله گردید، اقدام‌های جدید امارات در زمینه قلمروسازی و قلمروگستری در خلیج فارس از جمله ساخت جزایر مصنوعی و اعلام خط مبدأ مستقیم و همچنین واکنش این کشور به قلمروسازی‌های جدید در خلیج فارس است.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

قلمروسازی در خلیج فارس، فرایندی پویاست که هنوز پایان نیافته است و هر لحظه ممکن است توافقی بین کشورها در زمینه مرزهای فلات قاره انجام شود و یا قانونی جدید در یک کشور در زمینه مناطق دریایی به تصویب برسد. برای نمونه ممکن است یک کشور در قسمتی از ساحل خود، مختصات نقاط خط مبدأ مستقیم خود را اعلام نماید و یا اقدام‌هایی را در زمینه ساخت جزایر مصنوعی انجام دهد. بنابراین پژوهشگران حوزه جغرافیای سیاسی دریاها، حقوق بین‌الملل دریاها، روابط بین‌الملل، محیط زیست و سایر حوزه‌های مرتبط باید این اقدام‌های جدید را رصد و مورد بررسی قرار داده و آثار و پیامدهای آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و پیشنهادهای لازم را

برای اقدام‌های عملی لازم ارائه دهند. مطالبی که تاکنون درباره وضعیت حقوقی خلیج فارس انتشار یافته، ناظر به وضع حقوقی ایران مشتمل بر چگونگی خط مبدأ و محدوده‌های دریای سرزمینی، منطقه نظارت، فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی بوده است، درحالی که کمبود قابل توجهی درباره چگونگی خط مبدأ ادعایی و محدوده دریای سرزمینی کشورهای حاشیه خلیج فارس بر روی نقشه‌ها مشاهده می‌شود و به طور کلی، موضوع قلمروسازی کشورهای ساحلی خلیج فارس به‌ویژه در ضلع جنوبی آن، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. این پژوهش در پی آن است که تا حد امکان به جدیدترین اقدام‌های قلمروسازی مربوط به کشور امارات در ضلع جنوبی خلیج فارس پرداخته و به ترسیم آنها در نقشه اقدام نماید.

۳-۱. پیشینه تحقیق

در خصوص قلمروسازی در خلیج فارس و مرزهای دریایی توافق شده در این پهنه آبی، تعدادی کتاب و مقاله وجود دارد که برخی به شکل خاص و برخی به شکل کلی و یا در بخشی از کتاب و مقاله به این موضوع پرداخته‌اند. هر یک از این منابع تنها به قلمروسازی‌هایی اشاره داشته‌اند که تا زمان نشر کتاب و یا مقاله به وقوع پیوسته‌اند و حتی در برخی منابع، باوجود جدید بودن از نظر زمان نشر، قلمروسازی‌های جدید مورد غفلت قرار گرفته است. بنابراین بدیهی است که این منابع باوجود ارزش فراوان، به‌واسطه پویایی تحولات مرتبط با قلمروسازی در خلیج فارس و وجود مرزهای دریایی توافق نشده، تحولات جدید مرتبط با قلمروسازی در این پهنه آبی را پوشش ندهند. جدیدترین مقاله‌ها مرتبط با قلمروسازی در خلیج فارس مربوط به مقاله‌هایی است که در زمینه جزایر مصنوعی به نگارش درآمده‌اند، با وجود این، در هیچ منبع فارسی، تاکنون به خط مبدأ مستقیم امارات در ساحل ابوظبی پرداخته نشده است که این از ویژگی‌های نو بودن مطالب این پژوهش می‌باشد. منابع مهم دیگر که در نگارش

این مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اسناد حقوقی، توافقی‌نامه‌های مرزی و نامه‌های رسمی کشورها با یکدیگر و سازمان ملل است که در زمره اسناد دست اول به‌شمار می‌آیند. در جدول زیر فهرستی از مهم‌ترین منابع تحقیقی مرتبط با قلمروسازی در خلیج فارس ارائه شده است.

جدول شماره ۱. مهم‌ترین منابع مرتبط با پیشینه تحقیق در زمینه قلمروسازی در خلیج فارس

عناوین منابع	نوع منبع
<ul style="list-style-type: none"> - چرچیل، رابین رولف و آلن لو (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی. - حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران. - درایسدل، آلسدایر و جرالداچ بلیک (۱۳۷۳)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. - مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۲)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس. - مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹)، سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران. - پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر آب‌های ایران. 	کتاب‌ها
<ul style="list-style-type: none"> - جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک مرزهای امارات متحده عربی. - مروتی، حسین، سیده فرناز خاتمی و مریم احمدیان (۱۳۸۵)، تأثیر جزایر مصنوعی امارات بر سواحل خلیج فارس. - میرحیدر، دره و همکاران (۱۳۸۶)، روند قلمروسازی کشورهای ساحلی در بستر خلیج فارس. - میرحیدر، دره (۱۳۶۵)، جغرافیای سیاسی دریاها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳. - صفوی، سیدیجی و علی‌اصغر قنبری (۱۳۹۰)، پیامد ساخت جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر ایران در خلیج فارس. - Aghai, Bahman (2006), Artificial Islands in the Persian Gulf and the International Law of the Sea, Persian Journal. -Salahuddin, Bayyinah (2006), The Environmental Impacts of the Artificial Islands Construction in Dubai of the UAE. 	مقاله‌ها
فهرست کامل اسناد در پایان مقاله در قسمت منابع و مآخذ آورده شده است.	اسناد

۴-۱. پرسش اصلی تحقیق

قلمروسازی‌های جدید امارات در خلیج فارس و واکنش این کشور به قلمروسازی‌های جدید چه بوده و چه پیامدهایی را به همراه داشته و خواهد داشت؟

۵-۱. فرضیه اصلی تحقیق

قلمروسازی‌های جدید امارات در خلیج فارس از جمله ساخت جزایر مصنوعی و اعلام خط مبدأ مستقیم در ساحل ابوظبی، ضمن ایجاد پیامدهای زیست محیطی، اختلاف‌های کشورهای ساحلی خلیج فارس را بیشتر نموده و با پیچیده نمودن مسائل، ادامه فرایند قلمروسازی و توافق بر سر مرزهای تحدید نشده را طولانی خواهد نمود.

۶-۱. روش تحقیق

در این پژوهش، از روش تحلیلی - توصیفی استفاده خواهد شد و در تجزیه و تحلیل مطالب از تحلیل کارتوگرافیکی نیز بهره‌برداری می‌شود. روش گردآوری مطالب، روش کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است؛ به این ترتیب که افزون بر کتاب‌ها و پژوهش‌هایی که تاکنون درباره قلمروسازی و مرزبندی‌ها در خلیج فارس نوشته شده است، تمامی اسناد حقوقی که در زمینه قلمروسازی و قانون مناطق دریایی امارات و نامه‌هایی که در این مورد، این کشور به سازمان ملل ارسال داشته و یا نامه‌هایی که دیگر کشورها در واکنش به اقدام‌های قلمروسازی امارات به سازمان ملل و یا وزارت خارجه امارات ارسال داشته‌اند و همچنین اسناد مربوط به جدیدترین قلمروسازی کشورهای جنوبی خلیج فارس از جمله عربستان و قطر و واکنش امارات نسبت به این اقدام‌ها، گردآوری و مورد بررسی قرار گرفت. گام بعدی وارد نمودن اطلاعات جغرافیایی این

قلمروسازی‌ها بر روی نقشه^۱ بود که تمامی مراحل کارتوگرافی این نقشه در نرم‌افزار ArcGIS انجام شد. از مهم‌ترین اقدام‌های قلمروسازی در ضلع جنوبی خلیج فارس که

۱. روش تهیه این نقشه که تمامی مراحل کارتوگرافی آن در نرم‌افزار ArcGIS انجام شده است به شرح زیر می‌باشد: ابتدا نقشه مرز دریای سرزمینی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس طبق نقشه منتشر شده از سوی وزارت امور خارجه آمریکا (Department of State/Limits in the Sea/ No.94) توسط نقشه‌های هیدروگرافی سازمان نقشه‌برداری و نیز تصاویر ماهواره لندست، و برداشت تعداد ۱۰۰ نقطه با پراکندگی مناسب، زمین مرجع شدند. مقادیر پایین RMS نهایی، دقت مورد نیاز برای مقیاس کاری را تأمین می‌کند. پس از این مرحله، مرز دریای سرزمینی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از روی این نقشه رقومی شد و به‌عنوان یک لایه اطلاعاتی در مراحل بعدی مورد استفاده قرار گرفت. از این نقشه، لایه‌های اطلاعاتی مرزهای فلات قاره قطر ابوظبی (۱۹۶۹)، مرزهای فلات قاره ایران-دبی (۱۹۷۵) و مرز فلات قاره ایران-قطر (۱۹۷۰) نیز رقومی شده و در نقشه نهایی، آورده شده است. نقشه Gulf of Oman to Khorramshahr که با مقیاس ۱:۱۵۰۰۰۰۰ توسط سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است، نیز مانند روش بالا، زمین مرجع شده و لایه‌های مختلف آن رقومی شده و مورد استفاده قرار گرفته است. ۹ نقطه از سندی که مرز دریایی توافق شده بین عربستان سعودی و قطر در قسمت خور العدید (۲۰۰۸) را مشخص می‌کند، تبدیل به اطلاعات مکانی شد و در مراحل بعدی مورد استفاده قرار گرفت. ۱۷ نقطه مربوط به خط مبدأ دریایی امارات متحده عربی طبق سند مصوب هیئت وزیران امارات متحده عربی در تاریخ ۱۴ ژانویه ۲۰۰۹ استخراج و با توجه به مختصات ارائه شده، تبدیل به نقطه شده و از وصل کردن آنها به همدیگر برای محاسبه مساحت مناطقی که بر اساس خط مبدأ مستقیم ادعایی امارات جزو آب‌های داخلی محسوب می‌شود. و نیز مناطقی که بر اساس خط مبدأ ادعایی امارات بر آب‌های سرزمینی امارات افزوده می‌شود، استفاده شده است. با توجه به اینکه مختصات ارائه شده اسناد بالا بر حسب درجه، دقیقه و ثانیه می‌باشند و دقت نهایی آن تا حد ثانیه می‌باشد، اگر متوسط عرض جغرافیایی منطقه مورد مطالعه را مطابق نقشه قلمروسازی‌های جدید در سواحل جنوبی خلیج فارس ۲۴.۵ درجه گرفت، محیط مداری در منطقه مورد مطالعه ۳۳۳۹۸ کیلومتر خواهد بود که معادل ۳۶۰ درجه می‌باشد. با محاسبه ساده، اندازه مسافت یک ثانیه قوسی در عرض جغرافیایی مورد نظر، معادل ۲۸ متر می‌باشد، با توجه به اینکه فاصله مجاز حداقل طول قابل نمایش یعنی ۰.۲ میلیمتر در مقیاس نقشه می‌باشد که این مقدار در نقشه‌های تهیه شده از مختصات‌های ارائه شده برابر ۱:۴۰۰۰۰ می‌باشد، برای مشخص کردن نوار ساحلی کشور امارات از تصاویر ماهواره لندست، سنجنده ETM که باندهای رنگی ۳۰ متری با باند پانکروماتیک ۱۵ متری ترکیب شده و نتیجه کار باندهای رنگی با قدرت تفکیک ۱۵ متر می‌باشد، استفاده شده است. با توجه به استانداردهای تعریف شده، در این تصاویر، امکان شناسایی عوارض در مقیاس مورد مطالعه وجود دارد. از تصاویر ماهواره یادشده برای پس‌زمینه نقشه نیز استفاده شده است. برای مناطقی محدوده سواحل که جزایر مصنوعی در آن ساخته شده و یا در حال ساخت هستند، تصاویر جدید از نرم‌افزار Google map استخراج و در نقشه خروجی آورده شده است. گفتنی است که مقیاس این تصویر با نقشه اصلی یکسان نیست.

برابر با اسناد منتشره به ترسیم آنها در نقشه اقدام شد، یکی توافق در زمینه مرز دریایی بین قطر و عربستان در سال ۲۰۰۸ بود و دیگری خط مبدأ مستقیم امارات در قسمتی از سواحل ابوظبی طبق مصوبه هیئت وزیران به تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹ بود. همچنین در این نرم‌افزار محدوده آب‌های داخلی امارات و همچنین میزان پیشروی آب‌های دریای سرزمینی امارات با توجه به خط مبدأ اعلامی، و همچنین کمترین فاصله نقاط خط مبدأ امارات با ساحلش محاسبه گردید.

۲. چارچوب نظری تحقیق

کلیدی‌ترین مفهوم که مبنای نظری این تحقیق بر آن استوار شده است، مفهوم قلمروسازی است. قلمروسازی که از مفاهیم مهم جغرافیای سیاسی است و از اعمال قدرت بر مکان حکایت دارد، در بهترین شکل در حکومت ملت‌پایه (دولت-ملت) تجلی می‌یابد. قلمروسازی می‌تواند بر خشکی و دریا انجام شود، اما مهم‌ترین تفاوت بین قلمروسازی در خشکی و دریا، به دو مفهوم حاکمیت و صلاحیت بر می‌گردد؛ به گونه‌ای که هر کشور در قلمرو سرزمینی یا خشکی خود، دارای حاکمیت تام و تمام پذیرفته شده و به رسمیت شناخته شده است، ولی در قلمروهای دریایی بحث صلاحیت مطرح است و اگرچه در قلمروهای دریایی، بیشترین حقوق متوجه کشور ساحلی است، ولی سایر کشورها نیز در قلمروهای مختلف دریایی از حقوقی برخوردارند که حقوق و تکالیف کشور ساحلی و سایر کشورها به طور دقیق در قوانین بین‌المللی دریاها مشخص شده است.

قلمروسازی بر روی دریا به‌ویژه پس از آگاهی از منابع معدنی و انرژی موجود در بستر و زیربستر دریاها و ظهور فناوری‌های پیشرفته که استخراج از اعماق دریاها و اقیانوس‌ها را ممکن می‌ساخت، به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای ساحلی تبدیل شد و به این ترتیب، انگیزه‌های اقتصادی فراتر از انگیزه‌های امنیتی، نظامی و ارتباطی قرار

گرفتند که از مزایای قدیمی تر تحدید حدود دریای سرزمینی در کنار ساحل هر کشور محسوب می‌شدند. در این راستا، قدرت‌های بزرگ با داشتن فناوری‌های پیشرفته، چشم به قلمروگستری در دریا و اقیانوس‌ها دوخته و قوانین پیشرفته‌ای را در کنوانسیون سوم سازمان ملل (۱۹۸۲) به تصویب رساندند. از این رهگذر کشورهای درحال توسعه نیز که دارای سواحل طولانی هستند و از منابع مهم نفت و گاز فلات قاره برخوردارند، بی‌نصیب نمانده و به تحدید حدود قلمروهای دریایی خود پرداخته‌اند که کشورهای خلیج فارس از جمله آنان هستند (میرحیدر و همکاران، ۱۳۸۶: ۴). قدیمی‌ترین اقدام‌ها در زمینه قلمروسازی در خلیج فارس مربوط به ایران می‌باشد و دیگر کشورهای ساحلی خلیج فارس به واسطه قدمت کمتر، اقدام‌ها و مستندات قانونی آنها در زمینه قلمروسازی در خلیج فارس از قدمت چندانی برخوردار نیست.

دو موضوع مهم و چالش‌برانگیز در زمینه قلمروسازی در دریاهای نیمه‌بسته از جمله خلیج فارس، یکی ساخت جزایر مصنوعی و دیگری اعلام خطوط مبدأ مستقیم برای تعیین قلمروهای دریایی است. از میان کشورهای حاشیه خلیج فارس، ایران و عمان پیش از سایر کشورها، نقاط خط مبدأ مستقیم ادعایی خود را اعلام و منتشر کرده‌اند. عربستان و امارات که در قوانین دریایی خود، خط مبدأ دریایی خود را تلفیقی از دو روش خط مبدأ جزری و خط مبدأ مستقیم اعلام نموده بودند، تا سالیان اخیر از انتشار مختصات نقاط خط مبدأ مستقیم خودشان خودداری می‌کردند، ولی سرانجام این دو کشور نیز در برخی مناطق ساحلی خود، مختصات نقاط خط مبدأ مستقیمشان را اعلام نمودند و در حال حاضر، عراق نیز مختصات نقاط خط مبدأ خود را در خلیج فارس اعلام نموده است. اعلام نقاط خط مبدأ مستقیم توسط کشورها، در بیشتر مواقع با اعتراض سایر کشورها مواجه بوده است. برای مثال، پس از اعلام نقاط خط مبدأ جمهوری اسلامی ایران، طی قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲، ابتدا آمریکا نسبت به خط مبدأ مستقیم ایران اعتراض نمود و پس از آن، برخی

از کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله کویت، امارات متحده عربی، عربستان و قطر به خط مبدأ کشورمان اعتراض نمودند. همچنین پس از اعلام نقاط خط مبدأ مستقیم در ساحل ابوظبی توسط امارات، این خط، مورد اعتراض عربستان واقع شد.

خطوط مبدأ مستقیم از آن نظر مورد اعتراض سایر کشورها قرار می‌گیرد که سطح و حجم قابل توجهی از آب‌ها را به‌عنوان آب‌های داخلی، پشت خط مبدأ قرار می‌دهد. گفتنی است که بیشترین حقوق کشور ساحلی و کمترین حقوق کشورهای غیرساحلی مربوط به آب‌های داخلی می‌باشد. جلو آمدن خط مبدأ در اثر اعلام خط مبدأ مستقیم، پیشروی سایر قلمروهای دریایی را نیز به‌دنبال دارد؛ به‌عبارتی قلمرو آب‌های دریای سرزمینی، منطقه نظارت و منطقه انحصاری اقتصادی نیز به سمت دریا پیشروی می‌کند و این به‌معنی افزایش حقوق اعمال صلاحیت کشور ساحلی در دریا و کاهش حقوق سایر کشورها در دریای مربوط است. قوانین بین‌المللی حقوق دریاها و به‌ویژه کنوانسیون ۱۹۸۲، اعلام و اعمال خط مبدأ مستقیم را با شرایطی برای کشور ساحلی به رسمیت شناخته‌اند. برای مثال کشور ساحلی در قسمت‌هایی از ساحل خود که مضرس باشد، می‌تواند خط مبدأ مستقیم تعیین نماید، البته طبق قانون کشور ساحلی در شرایط خاصی و با رعایت ملاحظه‌هایی مجاز به ترسیم خط مبدأ مستقیم شناخته شده‌اند. برای مثال ماده (۲) ۴، کنوانسیون ۱۹۵۸ و ماده (۳) ۷، کنوانسیون ۱۹۸۲ تصریح می‌دارند که خطوط مبدأ مستقیم نباید به‌طور فاحش از مسیر طبیعی ساحل دور باشند و مناطق دریایی بین خطوط باید به‌اندازه کافی نزدیک به قلمرو زمینی باشد تا بتواند شامل نظام آب‌های داخلی شود.

در مبحث جزایر مصنوعی نیز اگرچه قوانین بین‌المللی دریاها اجازه ساخت جزایر مصنوعی را برای کشور ساحلی تا منطقه انحصاری اقتصادی به رسمیت شناخته است، اما تمام اقدام‌های کشورهای ساحلی از جمله ساخت جزایر مصنوعی در دریاها نیمه‌بسته به شرایط خاصی منوط شده است. برای مثال ماده ۱۲۳ کنوانسیون

۱۹۸۲ تصریح می‌دارد که دولت‌های حاشیه یک دریای بسته و یا نیمه‌بسته در اجرای تکالیف خود و در اداره، حفظ، کاوش و بهره‌برداری از منابع جاندار و حفظ محیط زیست دریایی و خط‌مشی تحقیق‌های علمی با یکدیگر همکاری خواهند نمود. بنابراین می‌توان گفت در ساخت جزایر مصنوعی باید حقوق سایر کشورهای ساحلی و همچنین مسائل زیست‌محیطی پهنه‌های آبی نیمه‌بسته مورد توجه قرار گیرد.

۳. امارات و فرایند قلمروسازی در خلیج فارس

در پی خروج بریتانیا از خلیج فارس، شیخ‌نشین‌های هفتگانه مسندم یا امارات متصل‌الحه، اقدام به تأسیس فدراسیونی کردند که امارات متحده عربی نام گرفت. اساسنامه این فدراسیون که در دسامبر ۱۹۷۱ به تصویب شورای عالی اتحادیه رسید، شیخ‌نشین‌های هفتگانه عضو را بدون در نظر گرفتن تعداد جمعیت، وسعت سرزمین و یا توان مالی و غیره با یکدیگر برابر شناخت. به موجب این اساسنامه، رهبری این اتحادیه هر چهار سال باید به اختیار حاکم یکی از شیخ‌نشین‌های عضو قرار گیرد، ولی در عمل از ابتدا، قدرت میان ابوظبی و دبئی تقسیم شده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۱۶۶). کشور امارات در زمینه قلمروسازی در خشکی و دریا با مشکلات متعددی روبه‌روست و اختلاف‌های مرزی و ارضی زیادی با همسایگانش در خشکی دارد، البته اختلاف‌های ارضی و مرزی امارت‌های هفتگانه‌اش نیز متعدد است. بررسی اختلاف‌ها در مرزهای خشکی امارات از عهده این پژوهش خارج است و در اینجا تنها به بررسی قلمروسازی امارات در خلیج فارس و مرزهای دریایی و مسائل مربوط به آن پرداخته می‌شود. بررسی این فرایند در قالب بررسی سه موضوع قانون‌گذاری در زمینه قلمروهای دریایی، توافقات در زمینه مرزهای دریایی و فلات قاره و اقدام‌های جدید در زمینه قلمروسازی خواهد بود (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۳: ۱۱۹-۱۲۱؛ مجتهدزاده، ۱۳۸۲ و جعفری‌ولدانی، ۱۳۸۹).

۱-۳. امارات و قانون‌گذاری درباره قلمروهای دریایی

عمر کوتاه قانونگذاری امارات در زمینه مناطق و قلمروهای دریایی و بهره‌برداری از دریا به تازه تأسیس بودن این کشور بر می‌گردد (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۳ و مجتهدزاده، ۱۳۸۲). با وجود این، امارت‌های هفتگانه امارات در پیش از این تاریخ نیز در مورد ادعا بر قلمروهای دریایی و منابع آن بی‌سابقه نیستند. برای مثال در یک مورد پس از آنکه ایران در ۱۹ مارس ۱۹۴۹ حقوق خود را در اکتشاف نفت فلات قاره اعلام نمود، کشورهای عرب سواحل جنوب خلیج فارس از این نمونه پیروی کردند و هر یک بیانیه‌ای شبیه به آن را صادر کردند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عربستان سعودی در ۲۹ می ۱۹۴۹؛ قطر در ۸ ژوئن ۱۹۴۹؛ ابوظبی در ۱۰ ژوئن ۱۹۴۹؛ کویت در ۱۲ ژوئن ۱۹۴۹؛ دبی در ۱۴ ژوئن ۱۹۴۹؛ شارجه در ۱۶ ژوئن ۱۹۴۹ و ام القوین و عجمان در ۲۰ ژوئن ۱۹۴۹ (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۳۹۴-۳۹۵).

مهم‌ترین قوانینی که امارات در زمینه قلمروسازی در دریا به تصویب رسانده، به این شرح است:

- (۱) اعلامیه وزارت امور خارجه امارات در مورد منطقه انحصاری و اقتصادی و حدود آن به تاریخ ۲۵ جولای ۱۹۸۰،
- (۲) قانون فدرال شماره ۱۹/۱۹۹۳ در مورد تعیین حدود مناطق دریایی امارات متحده عربی به تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۹۳،
- (۳) قانون شماره ۳۴/۱۹۹۴ در رابطه با ورود و خروج کشتی‌ها به و از بنادر امارات متحده عربی به تاریخ ۲۴ می ۱۹۹۴،
- (۴) مصوبه شماره ۵/۲۰۰۹ هیئت وزیران امارات متحده عربی درباره استفاده از نظام خط مبدأ مستقیم در بخشی از سواحل امارات متحده عربی به تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹.

در بین این قوانین، قانون فدرال ۱۹۹۳/۱۹ مهم‌ترین قانون امارات در زمینه قلمروسازی در خلیج فارس است. این قانون که در مورد تعیین حدود مناطق دریایی امارات است، شامل تعاریف، ۴ بخش اصلی و قسمت پایانی با عنوان قوانین عمومی است. این قانون در مجموع مشتمل بر ۲۷ ماده می‌باشد. در چهار بخش اصلی این قانون به ترتیب، بخش اول به آب‌های داخلی، بخش دوم به دریای سرزمینی، بخش سوم به منطقه انحصاری- اقتصادی و بخش چهارم به قلات قاره اختصاص یافته است. از آنجا که این قانون پس از تشکیل کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نوشته شده است، مواد آن متأثر از مواد و مفاهیم کنوانسیون مزبور است. جدول شماره ۲، ادعاهای امارات را در زمینه مناطق دریایی و قلمروسازی که در قوانین دریایی این کشور آمده، نشان می‌دهد.

۲-۴. امارات؛ مرزهای فلات قاره و اختلاف‌های موجود

پهنای کم خلیج فارس اجازه گسترش قلمروهای پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ دریاها را به کشورهای همسایه نمی‌دهد، بنابراین کشورهای همسایه در پهنه‌های آبی با عرض کم باید به تعیین و تحدید مرز دریایی خود اقدام نمایند و خلیج فارس از جمله این پهنه‌های آبی است. همچنین از آنجا که تمامی خلیج فارس، فلات قاره محسوب می‌شود، مرز دریایی بین کشورها به مرز فلات قاره شهرت یافته است؛ مرز فلات قاره شامل بستر و زیربستر دریا می‌باشد. امارات متحده عربی در زمینه تعیین و تحدید مرزهای فلات قاره خود با همسایگانش راه‌چندانی نپیموده است؛ به گونه‌ای که اغلب مرزهای فلات قاره آن با همسایگانش یا تعیین و تحدید نشده، یا رسمیت نیافته و یا مورد اعتراض کشور ثالث می‌باشد. در ادامه به طور خلاصه به مسائل این مرزها پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۲. قلمروسازی ادعایی امارات متحده عربی در خلیج فارس

عنوان	تاریخ	محدوده	منبع
دریای سرزمینی	اکتبر ۱۹۹۳	۱۲ مایل دریایی	قانون فدرال شماره ۱۹ مناطق دریایی امارات متحده عربی.
	می ۱۹۹۴		بخشنامه شماره ۳۴ درباره چگونگی حق اجازه ورود و خروج ناوها به بنادر.
	ژوئن ۱۹۹۸		مصوبه شماره ۱۱۵ هیئت وزیران.
ادعاهای در زمينه خط مبدأ مستقیم	اکتبر ۱۹۹۳	ترکیبی از خط مبدأ مستقیم و خط پایین‌ترین حد جزر	قانون فدرال شماره ۱۹ مناطق دریایی امارات متحده عربی.
	۱۴ ژوئن ۲۰۰۹	مختصات ۱۷ نقطه را برای خط مبدأ مستقیم در ساحل امارت ابوظبی اعلام نموده است.	مصوبه ۵/۲۰۰۹ هیئت وزیران امارات متحده عربی.
منطقه نظارت	اکتبر ۱۹۹۳	۲۴ مایل دریایی	قانون فدرال شماره ۱۹ مناطق دریایی امارات متحده عربی.
فلات قاره	اکتبر ۱۹۹۳	۲۰۰ مایل دریایی	قانون فدرال شماره ۱۹ مناطق دریایی امارات متحده عربی.
	مارس ۱۹۶۹		توافق مرزی ابوظبی و قطر در خصوص مرز فلات قاره و جزایر.
	۱۹۶۹		توافق مرزی بین ابوظبی و دبی در خصوص مرز فلات قاره.
کنوانسیون	اگوست ۱۹۷۴		توافق مرز فلات قاره بین دبی و ایران
	دسامبر ۱۹۸۲		کنوانسیون را امضا کرده، ولی تصویب نکرده است.
منابع: اسناد حقوقی بیان شده در منابع و مآخذ مقاله: Summary of claims, United Arab Emirates, DOD, 2005. 1-M			

۴-۲-۱. مرز فلات قاره امارات با ایران

مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی به دلیل مشکلات ناشی از موافقتنامه شارجه - ایران بر سر جزیره ابوموسی هنوز نهایی نشده است. با این حال، دو نوع توافق بین ایران

و دبی از یک سو و ایران با شارجه و ام القوین از سوی دیگر وجود دارد. در توافق اول، ایران و دبی در ۱۴ اوت ۱۹۷۴، قراردادی را به امضا رساندند که در ۱۵ مارس ۱۹۷۵ به تصویب ایران رسید؛ ولی مورد قبول امارات متحده عربی قرار نگرفت. این مرز دریایی، ۳۹/۲ مایل طول دارد و از سه خط مستقیم، یک خط منحنی و پنج نقطه گردش تشکیل می‌شود. خط منحنی بین نقطه ۳ و ۴ از محاسبه ۱۲ مایل آب‌های ساحلی جزیره ایرانی سیری به دست آمده است. پس از اجرای موافقتنامه ایران و شارجه در مورد جزیره ابوموسی در دسامبر ۱۹۷۱، مقررات ایرانی ۱۲ مایل آب‌های ساحلی در مورد ابوموسی به اجرا در آمد. اعمال این سرحد آبی، با سرحدات آبی ام القوین تداخل یافت و منطقه امتیاز نفتی اکسیدنتال در آب‌های ام القوین را در برگرفت. ایران برای حل مسئله، حد میانه را بر اساس سواحل دو کرانه تعیین کرد، ولی چون این توافق از حد شفاهی پیش‌تر نرفت، این محدوده همچنان جزو مرزهای رسمی نشده تلقی می‌شود، بنابراین مرزهای ایران با امارات در خلیج فارس، نهایی نشده باقی است (افشردی، ۱۳۷۷، حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۴۷، مجتهدزاده و عسگری، ۱۳۸۸: ۱۹۳، مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۸۰ و درایسدل و بلیک، ۱۳۷۳: ۱۷۰). مرز دریایی بین ایران و امارات عربی متحده اگر منجر به توافق شود، حدود ۳۲۰ کیلومتر طول خواهد داشت. محدوده مرز دریایی بین ایران و دبی که در سال ۱۹۷۴ توافق شد، ۷۲ کیلومتر است. این مرز در ابوظبی به تصویب مجلس قانونگذاری نرسیده است، اما در ۱۹۷۵ به تصویب مجلس شورای ملی ایران رسیده است.

۲-۲-۴. مرز فلات قاره امارات با عمان

این مرز به دلیل اختلاف های دو کشور در مرزهای خشکی در بخش شمالی رأس‌الخیمه و عمان شمالی در شبه جزیره مسندام تعیین نشده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۷۱). امارت‌های مختلف امارات از جمله رأس‌الخیمه، ابوظبی و شارجه با عمان اختلاف‌های

سرزمینی دارند و این اختلافها بر سر تعیین مرز فلات قاره امارات با عمان نیز سایه افکنده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۷۴-۸۱).

۳-۲-۴. مرز فلات قاره سه کشور (امارات، قطر و عربستان) در محدوده و مقابل

خورالعدید

خورالعدید را می توان محدوده توافقیها و اعتراضها نامید. خورالعدید که در جنوب شرقی کشور قطر و در جنوب غربی خلیج فارس واقع می باشد، محدوده مورد علاقه سه کشور عربستان، امارات و قطر است. تاکنون سه توافق دو طرفه بین سه کشور مدعی در این محدوده انجام شده که مورد اعتراض کشور ثالث بوده است. این سه توافق عبارتند از:

(۱) توافق بین قطر و ابوظبی در زمینه مرز فلات قاره

این قرارداد در ۲۰ مارس ۱۹۶۹ به امضای قطر و ابوظبی رسید و از همان تاریخ به اجرا در آمد. این مرز دریایی از چهار خط مستقیم میان شش نقطه گردش و یک نیم دایره تشکیل می شود که شش مایل آب های کرانه جزیره دینیه (دینیه) ابوظبی را دور می زند. قرارداد یاد شده، مالکیت قطر بر جزایر عشه و شریویه (شراعوه) را به رسمیت شناخته است (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۸۳). این توافق مورد اعتراض عربستان بوده و این توافق را به رسمیت نشناخته است.

(۲) توافق بین امارات و عربستان

در اوایل سال ۱۹۷۴، ابوظبی نسبت به حل مسائل مرزی با عربستان ابراز تمایل کرد. در نتیجه، نمایندگان آن در اوت همان سال با امیر فهد (بعدها ملک فهد) در ریاض به توافقی هایی دست یافتند. بر اساس این توافقها قرار شد، عربستان در قبال به دست آوردن

مجربایی در ناحیه خورالعدید برای دسترسی به آن بخش خلیج فارس، از دعاوی خود در مورد العین بوریمی صرف نظر کند. اندکی بعد، امیر فهد در ابوظبی قرارداد جدید را با شیخ زاید امضا کردند و با دیدار شیخ زاید از ریاض، قرارداد به تصویب شاه سعودی رسید. قطر به این توافقنامه که در سال ۱۹۷۴ بین ریاض و امارات عربی متحده بر سر دسترسی عربستان به «خور العدید» منعقد گردید، معترض است و این توافقنامه را به رسمیت نمی شناسد. عمان نیز نسبت به این توافق معترض است. بیانیه دولت عمان، دربرگیرنده پیام آن کشور در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۳ به دبیرکل سازمان ملل متحد در رد موافقتنامه مرزی امارات عربی متحده و عربستان بود. در بیانیه دولت عمان آمده بود: امارات متحده عربی و عربستان بخشی از زمین های تاریخی عمان را که هم اکنون اتباع عمان در آن زندگی می کنند و از حقوق شهروندی دولت عمان برخوردارند، جزئی از مواد موافقتنامه مرزی خود قرار داده اند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۷۸)

(۳) توافق بین قطر و عربستان

این توافق بر سر تعیین مرزهای دریایی بین عربستان و قطر در مقابل خور العدید در سال ۲۰۰۸ منعقد گردید و در آن مختصات ۹ نقطه خط مرز دریایی قطر و عربستان بیان شده است. این توافق مورد اعتراض امارات واقع شده و این کشور این توافق را به رسمیت نشناخته است.

۴-۲-۴. مرز فلات قاره بین امارت های هفتگانه

دبی - ابوظبی: مرزهای خشکی بین دبی و ابوظبی در اوایل دهه ۱۹۶۰ تعیین شد و بخشی از مرز میان دبی و ابوظبی که هنوز تعیین نشده، تا رفع اختلاف، منطقه بی طرف اعلام شده است. این دو امارت، مرزهای دریایی خود را در سال ۱۹۶۹ تعیین کردند.

۳-۴. جدیدترین اقدام‌های امارات در زمینه قلمروسازی و قلمروگستری در

خلیج فارس

احداث جزایر متعدد مصنوعی - که از اوایل قرن ۲۱ در حال احداث هستند و اغلب آنها در ساحل دبی واقع شده اند- و همچنین اعلام مختصات نقاط خط مبدأ مستقیم در قسمتی از ساحل ابوظبی در سال ۲۰۰۹ میلادی در زمره جدیدترین اقدام‌های امارات در زمینه قلمروسازی و قلمروگستری در خلیج فارس جای می‌گیرند که در ادامه، این اقدام‌ها بررسی می‌شوند:

۱-۳-۴. احداث جزایر متعدد مصنوعی و پیامدهای امنیتی آن

(۱) احداث جزایر

جزایر مصنوعی، در حقیقت جزایر و تأسیسات مصنوعی انسان‌ساز بوده که از همه طرف توسط آب محاصره شده و بالاتر از سطح بزرگ‌ترین امواج آب، در یک مکان جغرافیایی مخصوص و برای یک دوره زمانی خاص و یا حتی دوره‌ای طولانی و نامحدود و به‌منظور ایفای کارکردهای متنوع در دریا ساخته می‌شوند. جزایر مصنوعی در خلیج فارس در حال رشد مداوم هستند. کشورهای کوچک خلیج فارس در تلاش برای افزایش دامنه سرزمینی و قلمروهای بیشتری از آب‌های دریایی بوده و نیز در پی گشودن قلمروهای جدید به روی فعالیت‌های تجاری خود هستند (Aghai, 2006: 1). اگرچه تاریخ ساخت جزایر مصنوعی، تاریخ طولانی‌تری نسبت به فعالیت‌های اخیر دبی دارد - برخی دیگر از امارت‌های متحده عربی به‌ویژه شارجه پیش از این به چنین اقدام‌هایی دست زده بودند-، اما اندازه و تعداد طرح‌های دبی، پرسش‌های بسیاری را درباره این منطقه حساس مطرح کرده است. در آغاز قرن ۲۱، دولت امارات متحده عربی اعلام کرد که تا ده سال آینده، ۳۲۵ جزیره مصنوعی در آب‌های خلیج فارس خواهد ساخت (صفوی و قنبری، ۱۳۹۰: ۱)، البته جغرافیای خلیج فارس و به‌ویژه عمق کم

آب در جنوب خلیج فارس، کشورهای جنوبی و به ویژه امارات را در ساخت جزایر مصنوعی کمک کرده است.

ساخت جزایر مصنوعی آن هم در چنین وسعت و حجمی می‌تواند پیامدهای زیست محیطی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی داشته باشد که بررسی هر یک از این پیامدها، پژوهشی مجزا را می‌طلبد. در ادامه به طور خلاصه به برخی از پیامدها اشاره‌ای گذرا خواهد شد. مهم‌ترین پیامد ایجاد جزایر مصنوعی و مهم‌ترین دلیل در اعتراض به ساخت بی‌رویه این جزایر، پیامدهای زیست محیطی و آسیب‌پذیری بیش از حد محیط‌زیست خلیج فارس است.

خلیج فارس یکی از بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین زیستگاه‌های جانوری و گیاهی دریایی جهان است؛ به گونه‌ای که دارای بیش از ۶۰۰ گونه از جانوران آبی از جمله ۵۰۰ گونه ماهی، ۱۵ گونه میگو، ۵ گونه نادر لاک پشت دریایی و همچنین آبسنگهای مرجانی، جوامع جلبکی، درختان حرا و مانگرو می‌باشد که از دیدنی‌های منحصر به فرد این دریای عظیم است (کردوانی، ۱۳۷۷: ۳۴)، اما در عین حال خلیج فارس یکی از آسیب‌پذیرترین پهنه‌های آبی از نظر زیست‌محیطی است؛ چرا که خلیج فارس به عنوان یک آبراه نیمه‌بسته از خصوصیات طبیعی و زمین‌شناختی خاصی برخوردار است که آن را آسیب‌پذیر ساخته است. برای مثال عمق و عرض کم آبراه به ویژه در رأس آن، جریان‌های بحری که حرکت گردشی آنها در انتشار آلودگی مؤثر است، همچنین عبور و مرور زیاد نفت‌کش‌ها در هر روز و وجود منابع غنی نفت و گاز و اکتشاف و انتقال انرژی از آنها نیز در آلودگی و آسیب‌پذیری خلیج فارس نقش دارد. از آنجا که اکوسیستم خلیج فارس به علت دمای بالا، شوری بالا، نوسان‌های دمایی شدید و مقدار پایین نیتروژن، بسیار تحت فشار است، هرگونه فشار گرمایی یا حرارتی اضافی ناشی از فرایندهای صنعتی می‌تواند به آسانی مرجان‌های نزدیک این فعالیت‌ها را نابود کند. اگر ناحیه به طور دائمی تحت فشار حرارت و گرما باشد، پس مرجان‌ها قادر نخواهند بود

دوباره خود را بازپابند. ساخت جزایر مصنوعی چیزی جز افزایش فشار مضاعف بر محیط زیست خلیج فارس نیست.

جزایر مصنوعی، روی جزایر کوچک پیشین و یا ریف‌های موجود بنا شده اند که این فعالیت‌های غیرطبیعی، افزون بر انهدام ریف‌ها (مرجان‌ها) منجر به انتقال رسوب‌ها و تغییر خط ساحلی، تغییر در ریخت‌شناسی (مورفولوژی) ساحل و تغییر در ساختار بستر دریا و شیب ساحل شده‌اند. همچنین استخراج شن و ماسه از بستر دریا، آب‌های این منطقه را به لجن‌زار تبدیل می‌کند. این ساخت‌وسازها همچنین برای حمل و نقل دریایی نیز مشکل‌ساز خواهد بود. کارشناسان سازمان‌های ناظر بین‌المللی، عواقب اولیه دستکاری آشکار در طبیعت در طرح جزیره مصنوعی جمیره را این گونه اعلام نمودند:

(۱) تنها ساحل مرجانی شناخته شده در این عملیات از بین رفت،

(۲) آشیانه‌های ساحلی لاک‌پشت‌های دریایی (از گونه خاص منطقه خلیج فارس)

ویران شدند،

(۳) جریان‌های طبیعی آب تغییر مسیر دادند،

(۴) گل و لای حاصل از این عملیات، آب‌های شفاف و شیشه‌ای را به لجن‌زاری

در محدوده این جزایر مصنوعی تبدیل کرده است، که در حال پیشروی می باشد (مروتی و همکاران، ۱۳۸۵). به طور کلی می‌توان گفت جزیره نخلی شکل جمیره - که البته در ساحل دبی، اولین طرح و کوچک‌ترین آنها بود - حیات وحش را مدفون و خفه کرده و باعث افزایش تیرگی و گل‌آلود شدن آب و همچنین باعث جابه‌جایی و انتقال رسوبات کنار ساحل شده است. مسئله دیگر در خصوص جزایر مصنوعی، شکل این جزایر است که بیشتر به شکل نخل ایجاد می‌شوند که این شکل، بیشترین طول ساحل را در اختیار کشور سازنده قرار می‌دهد و به همان ترتیب، میزان آسیب‌پذیری پهنه آبی از آلودگی‌های ساحلی و تأسیسات مختلف ساحلی بیشتر می‌گردد

(Salahuddin, 2006: 84).

وضعیت حقوقی این جزایر مصنوعی نیز موضوع حائز اهمیتی است. آیا قوانین بین‌المللی دریا به‌ویژه کنوانسیون ۱۹۸۲، اجازه ساخت جزایر مصنوعی را به کشورهای ساحلی می‌دهد؟ و آیا ساخت جزایر مصنوعی، حقوق جدیدی را برای کشور ساحلی و قلمروسازی آن در دریا فراهم می‌سازد؟

طبق ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲)، دولت ساحلی در احداث جزایر مصنوعی در منطقه انحصاری - اقتصادی، حق انحصاری دارد، اما در احداث این گونه جزایر باید اطلاع‌رسانی کامل انجام شود. طبق ماده ۱۲۲ این کنوانسیون، خلیج فارس را می‌توان یک دریای نیمه‌بسته تلقی نمود. از طرفی ماده ۱۲۳ نیز تصریح می‌دارد که دولت‌های حاشیه یک دریای بسته و یا نیمه‌بسته در اجرای تکالیف خود و اداره، حفظ، کاوش و بهره‌برداری از منابع جاندار و حفظ محیط زیست دریایی و خط‌مشی تحقیق‌های علمی با یکدیگر همکاری خواهند نمود. بنابراین نمی‌توان گفت که هر کشوری در خلیج فارس می‌تواند جزایر مصنوعی خود را در دریای سرزمینی خود بدون توجه به نگرانی‌های کشورهای ساحلی و غیرساحلی بسازد؛ چرا که ساخت جزایر مصنوعی - به‌ویژه اگر این طرح‌ها در مقیاس بزرگ باشند - تأثیرهای قابل ملاحظه‌ای را بر محیط اطرافشان به همراه خواهند داشت؛ به‌ویژه که ساخت جزایر مصنوعی به رقابتی جنون‌آمیز و بی‌پایان بین شاهزادگان ثروتمند عرب و البته فاجعه‌آمیز برای خلیج فارس تبدیل شده است.

در پاسخ به پرسش دوم باید گفت، یک جزیره مصنوعی تا جایی که به اندازه مناطق دریایی مربوط می‌شود، مزایای حقوقی اندکی دارد. جزایر مصنوعی به‌عنوان اثر یا بنای بندری دائمی مورد توجه قرار نگرفته است؛ به عبارتی کشور ساحلی نمی‌تواند برخی حقوق را ادعا نماید که برای بناهای دائمی بندری و لنگرگاهی در تعیین خط مبدأ و اندازه مناطق دریایی وجود دارد. ماده ۱۱ کنوانسیون سال ۱۹۸۲ سازمان ملل، مقرر می‌دارد که به‌منظور تعیین حدود دریای سرزمینی، حد نهایی بناهای ثابت پناهگاهی یا

بندری که بخش یکپارچه نظام پناهگاهی را تشکیل می‌دهد، به‌عنوان بخش تشکیل‌دهنده ساحل در نظر گرفته شده است. تأسیسات دور از ساحل و جزایر مصنوعی به‌عنوان بناهای بندری و پناهگاهی در نظر گرفته نشده‌اند (Aghai, 2006: 1). با وجود این، گرچه در قوانین بین‌المللی، جزیره‌های مصنوعی، ملاکی برای تعیین مرز محسوب نمی‌شوند، اما به طور حتم، قضیه در مورد پیشروی ساحل فرق می‌کند. در حقیقت با ایجاد و ساخت جزایر مصنوعی چسبیده به ساحل، پیشروی ساحل انجام شده است و پژوهش‌هایی که در زمینه مستند نمودن تأثیر ساخت جزایر مصنوعی انجام گرفته، تأثیر ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس را بر نظام رسوب‌گذاری این پهنه آبی ثابت نموده‌اند. بدیهی است که پیشروی ساحل یک کشور، توانایی چانه‌زنی‌اش را در تعیین مرزهای دریایی و فلات قاره در برابر کشور طرف مقابل افزایش می‌دهد. اگر برنامه‌های امارات در راستای ساخت و تکمیل جزایر مصنوعی تعقیب گردد، تغییرات عمیق در ساختار سواحل دبی که درست در نقطه مقابل ابوموسی است، مشخص می‌شود. در حقیقت در سال‌های آینده و با تکمیل ساخت این جزایر، تمامی نوار کم عمق ساحلی دبی یا جزایر مصنوعی، تبدیل به محیط خشکی می‌شود و در نتیجه، بخش‌های دورتر از ساحل نیز کم عمق شده و ریخت‌شناسی خلیج فارس تغییر می‌کند. اغلب این جزایر در نزدیکی ساحل و چسبیده به ساحل ساخته می‌شوند که پیشروی ساحل را در اثر خشکاندن دریا در پی دارد و پیامدهای خاص خود را در ادعاها و تعیین مرزهای دریایی خواهد داشت. اهمیت و حساسیت ساخت جزایر مصنوعی در مورد امارات بیشتر است؛ چرا که ایران با امارات، مرزهای فلات قاره خود را تحدید و ترسیم نکرده است - البته ایران با دبی، مرز فلات قاره خود را تحدید نموده است که ایران باید بر این مرز فلات قاره پافشاری نماید - و امارات به طور مرتب و مکرر در مجامع عربی و منطقه‌ای از جمله اجلاس شورای همکاری خلیج فارس، ادعاهایی را درباره جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک مطرح می‌نماید. همچنین خط مبدأ

امارات در قانون مناطق دریایی این کشور به طور مبهم، ترکیبی از خط جزر و خط مبدأ مستقیم اعلام شده است و تاکنون تنها مختصات خط مبدأ مستقیم خود را در قسمتی از ساحل ابوظبی اعلام نموده است و بیم آن می‌رود که با ساخت این جزایر مصنوعی و مضرس نمودن ساحل دبی با این جزایر و باوجود منع قانونی و حتی در مغایرت با کنوانسیون ۱۹۸۲ و ۱۹۵۸، در آینده مختصات خط مبدأ مستقیمی را در ساحل دبی نیز اعلام نماید. از حداقل پیامدهای ساخت جزایر مصنوعی، طولانی شدن روند تعیین مرزهای دریایی ایران و امارات، پُررنگ شدن ادعاهای امارات درباره جزیره ایرانی ابوموسی که با ساخت این جزایر به آن نزدیک‌تر هم می‌شود، بین‌المللی نمودن مسئله ابوموسی به ویژه که امروزه این جزایر مصنوعی به اسکان شهروندانی از سراسر جهان و به‌ویژه تجار و صاحبان شرکت‌ها و شخصیت‌های معروف هنری، ورزشی و سیاسی درآمده است، تیره شدن روابط ایران با امارات و فراهم شدن زمینه برای حضور بیشتر نیروهای فرامنطقه‌ای در این منطقه است (صفوی و قنبری، ۱۳۹۰).

ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات در خلیج فارس در تعارض با اصل و قاعده اسلامی لاضرار و همچنین مفهوم توسعه پایدار است. اگر از ساخت این جزایر مصنوعی به طور مقطعی کشور سازنده سود خواهد برد، ولی ضرر و زیان آن متوجه اکوسیستم و محیط زیست خلیج فارس و همه کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه ایران خواهد بود که بیشترین ساحل و سهم را از خلیج فارس دارد. در دین اسلام، اصل و قاعده ای مهم با عنوان اصل لاضرار یا توقف و جلوگیری از ایجاد هرگونه صدمه و زیانی به منافع دیگر مسلمانان است. این اصل باید در تأسیس جزایر مصنوعی و هرگونه تأسیساتی مورد توجه قرار گیرد. در زمینه متعارض بودن این اقدام‌ها با توسعه پایدار نیز باید گفت در ساخت جزایر مصنوعی، رشد فناوری و حتی توسعه وجود دارد، ولی این توسعه را نمی‌توان توسعه پایدار دانست؛ چرا که توسعه پایدار بیشترین همراهی و همزادی را با محیط زیست دارد، در حال که ساخت این جزایر تخریب و

آسیب محیط زیست را به همراه دارد. همچنین ساخت این جزایر و اسکان افراد از فرهنگ‌های مختلف و با ملیت‌های متفاوت خود، مسائل و مشکلات فرهنگی، سیاسی و امنیتی را برای خود امارات و دیگر کشورهای ساحلی خلیج فارس و به ویژه ایران که بیشترین ساحل و جمعیت را در بین کشورهای ساحلی دارد، به همراه خواهد داشت.

(۲) پیامدهای امنیتی

امنیت امروزه از چنان گستره‌ای برخوردار گردیده است که کمتر اقدامی را می‌توان فاقد پیامدهای امنیتی دانست. پیامدهای امنیتی ساخت جزایر مصنوعی امارات در سواحل دبی نیز در سطوح منطقه‌ای، ملی و محلی قابل بررسی است؛ چرا که این اقدام پیامدهای امنیتی خاص خود را بر حوزه خلیج فارس، کشورهای ساحلی از جمله جمهوری اسلامی ایران و حتی کشور سازنده داشته و خواهد داشت. برای مثال ساخت جزایر مصنوعی با صرف هزینه‌های میلیاردی آن هم در مرزی‌ترین قسمت و در آب‌های خلیج فارس، یک تضمین مهم و اساسی می‌طلبد و آن هم تأمین امنیت این جزایر، هتل‌ها، تأسیسات و سازه‌های معماری منحصر به فرد آنهاست؛ چرا که این جزایر مصنوعی، مصداق خانه‌ای شیشه‌ای و آسیب‌پذیر را برای امارات پیدا کرده است. از آنجا که کشورهای کوچک خلیج فارس تاکنون چندان اعتماد و تمایلی به ایجاد سازه‌های امنیتی منطقه‌ای متکی بر همکاری کشورهای ساحلی خلیج فارس نداشته‌اند، به نظر می‌رسد در ادامه نیز، امارات راهبرد تأمین امنیت ملی خود و همچنین تأمین امنیت جزایر مصنوعی‌اش را متکی بر هم‌پیمانان امنیتی فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا و کشورهای غربی دنبال نماید و این خود، پیامدهای امنیتی را برای منطقه به دنبال خواهد داشت. تثبیت و افزایش حضور بازیگران فرامنطقه‌ای و به‌ویژه حضور نظامی آنها، افزایش رقابت تسلیحاتی و خرید نظامی کشورهای عربی از جمله امارات از غرب و دامن زدن بر فضای بی‌اعتمادی در منطقه با فعالیت بر روی طرح‌های ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و در نتیجه عقیم گذاشتن فرایند

همگرایی منطقه‌ای و عدم تشکیل یک سازه امنیتی منطقه‌ای از جمله این پیامدها خواهد بود. برخی از مهم‌ترین پیامدهای امنیتی ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات (در سطوح مختلف منطقه‌ای، ملی و محلی) عبارتند از:

- (۱) پُر رنگ‌تر شدن نقش و حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در خلیج فارس و معادله‌های ژئوپلیتیکی خلیج فارس و خاورمیانه،
- (۲) دامن زدن بر رقابت تسلیحاتی کشورهای عربی از جمله امارات به‌ویژه با فعالیت بر روی طرح‌های ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در منطقه،
- (۳) افزایش بی‌اعتمادی بین کشورهای همسایه و افزودن بر موانع موجود بر سر روند همگرایی منطقه‌ای،
- (۴) عمیق‌تر شدن شکاف بین کشورهای طرفدار محور مقاومت از جمله ایران و کشورهای محور سازش از جمله امارات،
- (۵) افزوده شدن بر موانع موجود بر سر راه تشکیل یک سازه امنیتی منطقه‌ای بدون دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای،
- (۶) افزایش موانع موجود بر سر راه وحدت جهان اسلام و افزایش عوامل ایجاد تفرقه در جهان اسلام،
- (۷) نزدیک شدن سواحل امارات به جزیره ابوموسی به‌ویژه با ساخت جزیره بسیار وسیع دیره،
- (۸) تلاش در بین‌المللی نمودن مسئله ادعای امارات بر جزایر ایرانی ابوموسی و تنبها،

۱. این جزیره مصنوعی که ساخت آن از سال ۲۰۰۴ آغاز شده است، دارای ۴۱ شاخه است و مساحتی بیش از شهر پاریس را در بر می‌گیرد و به بیش از یک میلیارد متر مکعب شن و سنگ نیاز دارد. این جزیره، مساحتی به طول ۱۴ و عرض ۵/۸ کیلومتر را دربرمی‌گیرد و ۸۰ کیلومتر مربع مساحت کل آن است.

- (۹) تلاش در تأمین امنیت جزایر مصنوعی با پشتوانه حضور نظامی نیروهای فرمانطقه‌ای، خرید تسلیحات نظامی و دفاعی از جمله ردیاب‌های (رادارهای) مورد نیاز از غرب (تأمین امنیت به شیوه سخت‌افزاری)،
- (۱۰) تأمین امنیت به شکل نرم‌افزاری با اسکان دادن و فروختن جزایر و املاک آن به شهروندان مشهور از کشورهای مختلف جهان به‌ویژه هنرمندان، ورزشکاران و سیاستمداران معروف جهانی که خود نوعی تأمین امنیت به شیوه بازدارندگی به شمار می‌آید.
- (۱۱) افزایش طول سواحل امارات با ساخت این جزایر آن هم به شکل نخل و تهدید امنیت زیست محیطی خلیج فارس که از آسیب‌پذیرترین و آلوده‌ترین پهنه‌های آبی جهان است.
- (۱۲) بالا بردن امکان چانه‌زنی برای خود در مرزبندی‌های آبی فلات قاره با ایران به‌ویژه که مرز فلات قاره ایران با دبی در ابوظبی به تصویب مجلس نرسیده است.
- (۱۳) غلیظ‌تر نمودن فضای امنیتی موجود در خلیج فارس و تلاش در محدود نمودن فضای تحرک ایران در خلیج فارس،
- (۱۴) افزایش زمینه‌های اختلاف امارات با ایران و در نتیجه اختلال در همکاری‌های متقابل دو کشور با همدیگر،
- (۱۵) به طول انجامیدن تحدید حدود مرز فلات قاره ایران با امارات،
- (۱۶) احتمال افزایش ادعاهای امارات بر میادین مشترک انرژی با پیشروی ساحل،
- (۱۷) خروج سرمایه از کشور ایران برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های امارات و تهدید امنیت اقتصادی کشور،
- (۱۸) تبدیل بازارهای موجود در این جزایر (که به محل عرضه کالاهای لوکس و غیرضروری تولید غرب تبدیل شده است)، به مبدای برای قاچاق بسیاری از این کالاها به داخل کشور،

(۱۹) تأثیراتی که این جزایر و سبک باز زندگی غربی رایج در آن بر امنیت روانی، اجتماعی و فرهنگی گردشگران مسلمان و به‌ویژه گردشگران ایرانی می‌گذارد. مروری بر موارد مطروحه در بالا نشان می‌دهد که اگرچه ساخت جزایر مصنوعی مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی را متوجه بُعد زیست محیطی (امنیت زیست محیطی) و امنیت منطقه‌ای نموده است، با این حال تأثیر ساخت این جزایر بر امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و روانی و حتی ابعاد دیگر امنیت قابل بررسی است.

۲-۳-۴. اعلام مختصات نقاط خط مبدأ مستقیم در قسمتی از ساحل ابوظبی و پیامدهای امنیتی آن

(۱) اعلام مختصات نقاط خط مبدأ مستقیم

هیئت وزیران امارات متحده عربی در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹ درباره استفاده از نظام خط مبدأ مستقیم در بخشی از سواحل امارات متحده عربی، مصوبه شماره ۲۰۰۹/۵ را صادر نمود. بر اساس این مصوبه، مختصات جغرافیایی ۱۷ نقطه اعلام شد که خط مبدأ مستقیم امارات را در بخش اعظم سواحل امارت ابوظبی تشکیل می‌دهند. با اعلام این خط مبدأ مستقیم که ۹ نقطه آن بیش از ۱۲ مایل دریایی با ساحل اصلی امارات فاصله دارند، مساحتی در حدود ۹۲۸۵ کیلومتر مربع^۱ از آب‌های خلیج فارس پشت خط مبدأ و در زمره آب‌های داخلی امارات قرار گرفت. همچنین مرز دریای سرزمینی و نظارت امارات نیز در این قسمت حدود ۷۶۳ کیلومتر مربع در خلیج فارس پیشروی داشته است (نقشه شماره ۱). طبق کنوانسیون ۱۹۸۲، شکل ساحل ابوظبی و مضرس بودن آن، اجازه تعیین خط مبدأ مستقیم را به امارات در این قسمت از ساحلش می‌دهد، اما قرار دادن برخی از جزایر که فاصله به‌نسبت زیادی با ساحل دارند، از جمله جزیره مکاسب و قفای در پشت خط مبدأ می‌تواند مورد اعتراض سایر کشورها قرار گیرد. عربستان

۱. رقم دقیق تر ۹۲۸۴/۸۱ کیلومتر مربع برای آب‌های داخلی و ۷۶۳/۰۸ کیلومتر مربع پیشروی دریای سرزمینی بوده است.

تاکنون اعتراض خود را نسبت به خط مبدأ مستقیم امارات اعلام داشته است. در جدول زیر، فاصله پیش آمده ترین نقاط در آب های خلیج فارس محاسبه گردیده که می تواند از موارد اعتراضی ایران به این خط مبدأ باشد؛ چرا که نقاط ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ بیش از ۱۲ مایل دریایی با ساحل اصلی فاصله دارند.

جدول شماره ۳. مختصات جغرافیایی نقاط خط مبدأ امارات متحده عربی در ساحل ابوظبی بر اساس مصوبه هیئت وزیران امارات (۲۰۰۹م)

شماره نقطه	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	موقعیت نقطه	فاصله نقطه تا نزدیک ترین ساحل سرزمین اصلی امارات
۱	51° 34' 56.662" E	24° 21' 03.038" N	جنوب رأس الحضرة- رأس غمیس	۰.۲۸ مایل
۲	51° 34' 35.602" E	24° 21' 37.300" N	رأس الحضرة- رأس غمیس	۰.۳۴ مایل
۳	51° 31' 49.881" E	24° 23' 10.638" N	قصار ملاعب	۳.۱۳ مایل
۴	51° 31' 09.901" E	24° 25' 25.601" N	غرب قصار الخوین	۴.۸۲ مایل
۵	51° 31' 11.100" E	24° 25' 32.099" N	شمال قصار الخوین	۴.۸۶ مایل
۶	51° 04' 54.320" E	24° 36' 22.943" N	جزیره قفای	۱۵.۰۹ مایل
۷	51° 48' 33.095" E	24° 40' 47.903" N	شمال غرب جزیره مکاسب	۲۱.۴۵ مایل
۸	51° 49' 21.299" E	24° 40' 48.522" N	شمال شرق جزیره مکاسب	۲۴.۳۰ مایل
۹	51° 49' 39.626" E	24° 40' 16.885" N	شرق جزیره مکاسب	۲۱.۶۱ مایل
۱۰	52° 00' 42.502" E	24° 15' 24.901" N	جزیره الیاسات العالی	۱۵.۱۶ مایل
۱۱	52° 36' 39.899" E	24° 22' 23.902" N	جزیره صیر بنی یاس	۱۰.۵۳ مایل
۱۲	52° 45' 44.302" E	24° 24' 03.301" N	جزیره ام الکرکم	۱۴.۶۳ مایل
۱۳	53° 04' 35.501" E	24° 22' 57.698" N	جزیره البزم الغربی	۱۳.۳۰ مایل
۱۴	53° 25' 20.701" E	24° 25' 35.602" N	شمال شرق جزیره مروح	۱۷.۸۲ مایل
۱۵	53° 48' 22.100" E	24° 19' 03.601" N	جزیره ابوالابيض	۱۴.۴۷ مایل
۱۶	54° 06' 29.002" E	24° 21' 58.900" N	الضبیعه	۲.۹۷ مایل
۱۷	54° 33' 49.270" E	24° 42' 12.632" N	رأس حنیوره	۲.۳۲ مایل

* نقاطی که بیش از ۱۲ مایل با ساحل اصلی فاصله دارند T تیره نشان داده شده اند.
 * محاسبه فاصله نقاط در نرم افزار Arc GIS انجام شده است.
 منبع مختصات و موقعیت نقاط:

Council of Minister's Decision No (5) 2009 in respect of the Application of the Straight Baselines System to a Part of the Coast Of the United Arab Emirates

اعلام خط مبدأ مستقیم در ساحل ابوظبی از سوی امارات را می‌توان پیامد توافق مرزی بین قطر و عربستان دانست که در سال ۲۰۰۸ انجام شد؛ به‌گونه‌ای که پس از این توافق، امارات متحده عربی ابتدا در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹ مختصات خط مبدأ مستقیم خود را اعلام نمود و دو روز بعد (۱۶ ژوئن ۲۰۰۹) اعتراض خود را به توافق مرزی عربستان-قطر اعلام نمود. عربستان نیز اعتراض خود را نسبت به خط مبدأ مستقیم امارات اعلام کرد. از مهم‌ترین دلایلی که عربستان در اعتراض به خط مبدأ امارات مطرح نمود، عبارتند از: نقض مواد قرارداد ۱۹۷۴ بین امارات و عربستان توسط خط مبدأ اعلامی امارات، عدم تبعیت خط مبدأ امارات از شکل واقعی ساحل امارات، انحراف نقاط ابتدایی خط مبدأ امارات به سمت غرب و روبه‌روی خورالعدید که طبق نظر عربستان باید مرز دریایی این دو کشور در خورالعدید براساس خط منصف تعیین گردد و همچنین قرار دادن جزایر قفای و مکاسب در پشت خط مبدأ امارات که عربستان در این جزایر برای خود حقوقی را محفوظ می‌داند. خط مبدأ مستقیم امارات به‌ویژه در مقابل خورالعدید بسیار جلو آمده است و از آنجا که ایران در آینده باید مرز فلات قاره خود را با ابوظبی تعیین نماید، پیشنهاد می‌شود با درک حساسیت مسئله و انجام کار کارشناسی، نکات اعتراضی خود را نسبت به خط مبدأ اعلامی از سوی امارات اعلام نموده و حداقل بر این نکته تأکید شود که دولت ایران این خط مبدأ را برای تعیین مرز فلات قاره در آینده به رسمیت نخواهد شناخت.

بدیهی است پیش‌آمدگی خط مبدأ امارات در خلیج فارس، ادعاهای این کشور را در زمینه منابع نفتی و گازی موجود در فلات قاره بین ایران و امارات افزایش خواهد داد؛ به‌ویژه که نقاط ۷ و ۸ و ۹ خط مبدأ که پیش‌رفته‌ترین نقاط خط مبدأ امارات هستند، به سمت میدان نفتی و گازی سلمان پیش آمده‌اند. همچنین باید یادآور شد که پس از اعتراض آمریکا به نقاط خط مبدأ مستقیم جمهوری اسلامی ایران، بیشتر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و از جمله امارات نسبت به خط مبدأ ایران

اعتراض نموده‌اند. بنابراین ایران نیز باید نکات اعتراضی خود را نسبت به خط مبدأ امارات اعلام نموده و اعتراض خود را در نهادهای بین‌المللی مربوط و از جمله سازمان ملل ثبت کند.

پس از اعلام خط مبدأ مستقیم امارات در سال ۲۰۰۹، دو کشور عربستان و امارات، نامه‌ها و مکاتباتی اعتراض‌آمیز را علیه یکدیگر انجام دادند که تعداد این نامه‌نگاری‌های اعتراضی در این سال به هشت مورد رسید. در سال ۲۰۱۰ عربستان سعودی نیز با عملی متقابل، مختصات نقاط خط مبدأ خود را در مقابل خورالعدید اعلام نمود که این خط مبدأ نیز مورد اعتراض امارات واقع شد. به طور کلی واکنش امارات به اقدام‌های جدید قلمروسازی کشورهای همسایه، واکنش اعتراضی بوده است که تاکنون نسبت به توافق بین قطر و عربستان (۲۰۰۸) و خط مبدأ مستقیم عربستان در منطقه خورالعدید (۲۰۱۰) انجام داده است.

(۲) پیامدهای امنیتی خط مبدأ مستقیم امارات

بسیاری از پیامدهای امنیتی که در قسمت جزایر مصنوعی امارات به آنها پرداخته شد، در زمینه خط مبدأ مستقیم امارات نیز صدق می‌کند؛ چرا که هر دو، نوعی قلمروگستری به شمار می‌آیند که البته هر یک با فرمولی متفاوت اعمال شده‌اند. با وجود این، خط مبدأ مستقیم امارات، مسائل مختص خود را دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱) قرار دادن سهم قابل توجهی از آب‌های خلیج فارس در پشت خط مبدأ (مساحتی در حدود ۹۲۸۵ کیلومتر مربع از آب‌های خلیج فارس در پشت خط مبدأ و در زمره آب‌های داخلی امارات قرار گرفته است)،

- (۲) پیشروی قلمروهای دریایی امارات در خلیج فارس (مرز دریای سرزمینی و نظارت امارات نیز در این قسمت حدود ۷۶۳ کیلومترمربع در خلیج فارس پیشروی داشته است)،
- (۳) محدود شدن حقوق سایر کشورها و از جمله کشورهای ساحلی با اعلام این خط مبدأ،
- (۴) نقاط ۷ و ۸ و ۹ خط مبدأ که پیشرفته‌ترین نقاط خط مبدأ اماراتند، به سمت میدان نفتی و گازی سلمان پیش‌آمدگی دارند،
- (۵) فاصله بیش از ۱۲ مایل دریایی، ۹ نقطه از خط مبدأ مستقیم امارات با ساحل اصلی امارات،
- (۶) در پشت خط مبدأ قرار دادن برخی جزایر که فاصله به نسبت زیادی با ساحل دارند از جمله جزیره مکاسب و جزیره قفای،
- (۷) احتمال افزایش ادعاهای امارات بر میادین مشترک انرژی در آینده و افزایش قدرت چانه‌زنی آن در قلمروسازهای آتی از جمله تحدید حدود مرز فلات قاره با ایران.

۵. پیامدهای امنیتی قلمروسازی‌های جدید

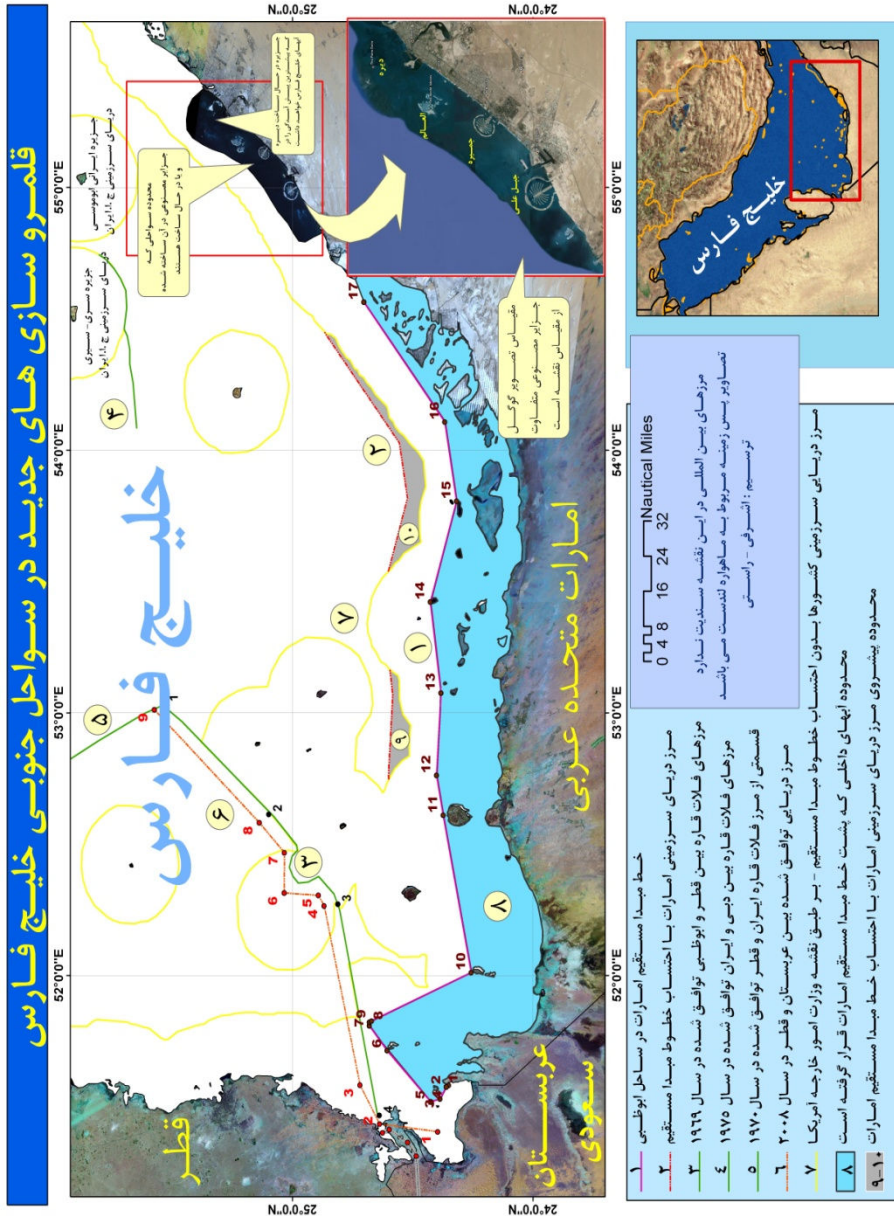
امنیت در سیر گذارش، ابعاد و مراجع متعددی پیدا کرده است. امروزه از امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای، امنیت جهانی و امنیت انسانی و فردی سخن به میان می‌آید و از نظر ابعاد نیز می‌توان به امنیت نظامی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی، امنیت زیست محیطی و... اشاره کرد. آثار و پیامدهای قلمروسازی‌های جدید امارات بر امنیت ملی ایران را باید در تأثیراتی جست‌وجو کرد که این اقدام‌ها بر منافع ملی ایران در حال حاضر و آینده داشته و خواهد داشت. برای مثال به تعویق افتادن تحدید و تعیین مرزهای فلات قاره، افزایش چانه‌زنی امارات در ادعاهای مربوط به قلمروسازی و

منابع انرژی موجود در خلیج فارس و همچنین پُررنگ شدن ادعاهای امارات در مورد جزایر^۱ سه‌گانه ایرانی با مطرح نمودن آن در مجامع جهانی و منطقه‌ای و کشاندن این مسائل به نهادهای بین‌المللی از جمله دیوان دادگستری بین‌المللی، از جمله پیامدهای این اقدام‌ها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دانست.

این اقدام‌ها تأثیراتی منفی بر امنیت منطقه‌ای نیز بر جای می‌گذارد؛ چرا که این اقدام‌ها با تقویت اختلاف‌ها بین کشورهای همسایه باعث عقیم گذاشتن روند همگرایی منطقه‌ای و ضخیم نمودن دیوار بی‌اعتمادی بین کشورهای همسایه گردیده و در نتیجه، عرصه در این پهنه آبی برای حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و دخیل نمودن آنها در امنیت منطقه به‌واسطه این اقدام‌ها بیش از پیش، مهیا خواهد شد؛ مسئله‌ای که با منافع ملی و امنیتی جمهوری اسلامی در تضاد و تقابل کامل قرار دارد.

۱. جزیره ابوموسی مورد ادعای امارت شارجه می‌باشد، ولی طرح‌های جزایر مصنوعی دبی و به‌ویژه طرح «دیره» در فاصله نزدیکی با جزیره ابوموسی در حال ساخت و تکمیل و بهره‌برداری هستند.

نقشه شماره ۱. قلمروسازی های جدید در سواحل جنوبی خلیج فارس



نتیجه گیری

اگر در گذشته بیشتر اختلاف‌ها و کشمکش‌ها بر سر قلمروسازی بر روی خشکی‌ها بود و دریاها نسبت به خشکی‌ها، اولویت به نسبت کم اهمیتی در قلمروسازی به شمار می‌آمدند، اما امروزه به دلایل مختلف از جمله افزایش جمعیت جهان و کمبود منابع، آگاهی از منابع موجود در آب، بستر و زیربستر دریاها و همچنین وجود فناوری‌های پیشرفته استخراج و بهره‌برداری از اعماق زیربستر دریاها و همچنین حقوقی که همایش‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق دریاها برای کشورهای ساحلی به رسمیت شناخته‌اند، قلمروسازی بر روی دریاها از اهمیت بالایی برخوردار شده است و بدیهی است که تعارض‌ها و کشمکش‌ها بین کشورهای ساحلی بر سر قلمروسازی در دریا نیز افزایش یافته باشد. خلیج فارس یکی از پهنه‌های آبی دنیاست که مهم‌ترین دلیل معروفیت آن، منابع مهم، غنی و راهبردی انرژی است، بنابراین قلمروسازی در خلیج فارس اهمیت بالایی در نزد کشورهای ساحلی آن داشته است و این کشورها به تبعیت از آنچه همایش‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل دریاها برای آنها به رسمیت شناخته است، اقدام به تصویب قوانین دریایی، اعلام مناطق دریایی و تعیین مرزهای دریایی نموده‌اند. از آنجا که تمامی خلیج فارس، منطقه فلات قاره محسوب می‌شود و عرض کم آن، اجازه گسترش تمامی قلمروهای دریایی را به کشورهای ساحلی نمی‌دهد، کشورهای ساحلی خلیج فارس باید مرز فلات قاره خود را با همسایگان تعیین و تحدید نمایند که تاکنون تعدادی از این مرزها تعیین و تحدید شده و برخی به دلیل اختلاف‌های ارضی و مرزی و یا قبول نمودن خط مبدأ یکدیگر برای تقسیم و یا گذاشتن و نگذاشتن برخی از جزایر پشت خط مبدأ، هنوز تعیین نشده باقی مانده‌اند. کشور امارات در زمینه قلمروسازی و قلمروگستری در خلیج فارس، پرونده پیچیده و پُر مدعایی دارد. از مرزهای فلات قاره این کشور، تنها مرز فلات قاره ابوظبی با قطر در سال ۱۹۶۹ تعیین شده است که آن هم مورد اعتراض عربستان بوده و می‌باشد. دبی

نیز با ایران مرز فلات قاره خود را در سال ۱۹۷۵ تعیین نموده است که البته این مرز نیز در امارات به تصویب مجلس قانونگذاری کشور نرسیده است. مرز فلات قاره امارات با عمان نیز به دلیل اختلافها تعیین نشده است. در بین امارت‌های مختلف نیز تاکنون مرز فلات قاره دبی و ابوظبی تعیین و تحدید شده است. با وجود این، امارات در سال‌هایی که از شروع قرن ۲۱ می‌گذرد، اقدام‌های جدیدی را در زمینه قلمروسازی و قلمروگستری در خلیج فارس انجام داده است و می‌توان گفت از دو فرمول برای قلمروسازی و قلمروگستری بیشتر در خلیج فارس سود جسته است. فرمول نخست، اقدام به ساخت جزایر متعدد و به نسبت پهناور مصنوعی است که بیشتر آنها در ساحل به نسبت صاف و بدون تضاریس دبی در حال ساخت هستند و جالب اینکه جزایر جدیدتر نسبت به جزایر پیشین وسیع‌تر و با پیش‌آمدگی بیشتر در آب و نزدیکی بیشتر به جزیره ایرانی ابوموسی در حال ساختند. احداث این جزایر مصنوعی، افزون بر آسیب‌های جدی زیست محیطی به تغییر شکل ساحل، مضرس نمودن مصنوعی ساحل، تغییر در رسوب‌گذاری و در نتیجه، پیشروی ساحل داشته که پیامدهای زیست محیطی، سیاسی، ژئوپلیتیکی و مرزی را در پی داشته و خواهد داشت. اگرچه از نظر حقوقی جزایر مصنوعی حقی را برای کشور ساحلی برای تعیین قلمروهای دریایی و یا احتساب به عنوان خط مبدأ ایجاد نمی‌کنند، اما بیم آن می‌رود که با توجه به چسبیدگی بیشتر این جزایر به ساحل و باوجود تعارض با قوانین بین‌المللی دریاها، کشور امارات این جزایر را پشت خط مبدأ قرار داده و مختصات خط مبدأ مستقیم جدیدی را در ساحل دبی اعلام نماید و به وسیله آن قدرت چانه‌زنی خود را در رابطه با تعیین مرز فلات قاره با ایران و یا امتیازگیری - با توسل به اعتراض‌هایی که نسبت به خط مبدأ ایران اعلام نموده - افزایش دهد.

اقدام دیگر امارات در زمینه قلمروسازی در خلیج فارس، اعلام نقاط خط مبدأ مستقیم خود در قسمتی از ساحل ابوظبی است. این اقدام امارات درست پس از توافق

قطر و عربستان در زمینه مرز دریایی در مقابل خورالعدید انجام شد که امارات پس از اعلام نقاط خط مبدأ مستقیم خود نسبت به توافق مزبور نیز اعتراض نمود و آن را به رسمیت نشناخت. این خط مبدأ مستقیم که ۱۷ نقطه دارد، و ۹ نقطه آن بیش از ۱۲ مایل دریایی از ساحل اصلی امارات فاصله دارد و به این ترتیب، حدود ۹۲۸۵ کیلومتر مربع از آب‌ها را در پشت خط مبدأ و به‌عنوان آب داخلی قرار می‌دهد. همچنین با اعمال این خط مبدأ، آب‌های سرزمینی امارات نیز در خلیج فارس در حدود ۷۶۳ کیلومتر مربع پیشروی پیدا می‌کند. عربستان سعودی تاکنون نسبت به این خط مبدأ و به‌ویژه انحراف آن به سمت غرب و در برگرفتن جزایر قفای و مکاسب اعتراض نموده است. واکنش امارات در مورد اقدام‌های جدید قلمروسازی کشورهای همسایه، تاکنون فقط واکنش اعتراضی بوده است و نسبت به دو اقدام جدید یعنی توافق بین قطر و عربستان (۲۰۰۸) و اعلام خط مبدأ مستقیم عربستان در مقابل خورالعدید (۲۰۱۰) اعتراضش را اعلام نموده است.

توجه به قلمروسازی کشورهای ساحلی خلیج فارس باید مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مرتبط قرار داشته باشد تا بتوان به‌موقع واکنش لازم و منطقی را نسبت به اقدام‌ها انجام داد، تا حالت عرف به خود نگیرد. در مورد دو اقدام جدید امارات در زمینه قلمروسازی در خلیج فارس، پیشنهادهای زیر توصیه می‌گردد: در زمینه جزایر مصنوعی که در سواحل دبی در حال ساخت هستند، مهم‌ترین اعتراضی که می‌توان انجام داد، هشدار و اعتراض نسبت به پیامدهای زیست محیطی ساخت جزایر مصنوعی و خواستن تضمین‌های مناسب از امارات برای حفظ محیط زیست خلیج فارس است. همچنین از آنجا که ایران مرز فلات قاره خود را با دبی تعیین و تحدید نموده است، پافشاری بر این مرز فلات قاره، جلوی زیاده‌خواهی و چانه‌زنی امارات را در آینده خواهد گرفت. در ضمن باید اقدام‌های جدید امارات را در زمینه قلمروسازی رصد نمود تا واکنش حقوقی و منطقی لازم را در زمان مقتضی بتوان انجام داد. اقدام دیگر

امارات اعلام خط مبدأ مستقیم در بخشی از ساحل ابوظبی است، این خط مبدأ به‌ویژه در مقابل خورالعدید و به سمت میدان نفتی و گازی سلمان ایران بسیار جلو آمده است و از آنجا که ایران در آینده باید مرز فلات قاره خود را با ابوظبی تعیین نماید، پیشنهاد می‌شود با درک حساسیت مسئله و انجام کار کارشناسی، نکات اعتراضی خود را نسبت به خط مبدأ اعلامی از سوی امارات اعلام نماید و حداقل بر این نکته تأکید نماید که کشور ایران این خط مبدأ را برای تعیین مرز فلات قاره در آینده به رسمیت نخواهد شناخت. همچنین از آنجا که در مواردی که تردید وجود داشته باشد، مانند مواردی که شک هست آیا خطوط مبدأ مستقیم کشوری، مطابق با تمام معیارهای وضع شده توسط حقوق عرفی و قراردادی است یا نه، روش سایر کشورها در شناسایی یا مخالفت با آنها نقش مهمی در تعیین اعتبار آن دارد (چرچیل و لو، ۱۳۸۴: ۷۶)، بنابراین با توجه به دلایل بالا، اعتراض ایران به خط مبدأ مستقیم امارات و ساخت جزایر مصنوعی در راستای منافع ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، ضروری است.

منابع و مأخذ

۱. منابع فارسی

۱. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر آب‌های ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۸۹)، *ژئوپلیتیک مرزهای امارات متحده عربی*، بخش دوم، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۷۴-۲۷۳.
۳. چرچیل، رابین رولف و آلن لو (۱۳۸۴)، *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه بهمن آقایی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۴. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۵. درایسدل، آلسدایر و جرالدا اچ بلیک (۱۳۷۳)، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میرحیدر، چاپ سوم، تهران، وزارت امور خارجه.
۶. صفوی، سیدیحیی و علی اصغر قنبری (۱۳۹۰)، پیامد ساخت جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر ایران در خلیج فارس، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هفتم، شماره سوم.
۷. کردوانی، پرویز (۱۳۷۷)، *مسائل آب کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس*، مجموعه مقالات مسائل جغرافیایی جهان اسلام، تهران، پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع).
۸. لاکست، ایو (۱۳۶۸)، *مسائل ژئوپلیتیک اسلام، دریا، آفریقا*، ترجمه عباس آگاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۲)، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، چاپ پنجم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۰. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹)، *سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. مجتهدزاده، پیروز و سهراب عسگری (۱۳۸۸)، *جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک*، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۲. مروتی، حسین، سیده فرناز خاتمی و مریم احمدیان (۱۳۸۵)، *تأثیر جزایر مصنوعی امارات بر سواحل خلیج فارس*، بیست و پنجمین گردهمایی علوم زمین، قابل دسترسی در: <http://www.gsi.ir>
۱۳. میرحیدر، دره و همکاران (۱۳۸۶)، *روند قلمروسازی کشورهای ساحلی در بستر خلیج فارس*، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال سوم، شماره اول.
۱۴. میرحیدر، دره (۱۳۶۵)، *جغرافیای سیاسی دریاها*، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳.

۲. منابع انگلیسی

1. Aghai, Bahman (2006), Artificial Islands in the Persian Gulf and the International Law of the Sea, *Persian Journal*.
2. <http://www.un.org/Depts/los/Legislationandtreaties/introduction.htm>
3. Salahuddin, Bayyinah (2006), *The Environmental Impacts of the Artificial Islands Construction in Dubai of the UAE*, Duke University, The Nicholas School of the Environment and Earth Sciences of the Duke University.
4. Table of claims to Maritime Jurisdiction (as at 15 July 2011), available in: http://www.un.org/Depts/los/Legislationandtreaties/Pdffiles/table_summary_of_claims.

۳. اسناد عربی

۱. الوفد الدائم للمملكة العربية السعودية لدى الامم المتحدة نيويورك (۲۰۰۷-۲۰۰۴-۱۱). اعلان من المملكة العربية السعودية بتعيين الحدود البحرية بين دولة قطر و دولة الامارات العربية المتحدة.
۲. وزارت خارجية المملكة العربية السعودية (۲۰۰۹)، الرسالة الموجهة الى الامانة العامة للامم المتحدة- مكتب معالي الامين العام في نيويورك، ان تشير الى مذكرة وزارت خارجية دولت الامارات العربية المتحدة الموجهة الى الامانة العامة للامم المتحدة رقم و كسرى ۴۸۷/۶/۳ المورخة في ۲۰۰۹/۶/۱۶.
۳. وزارت خارجية المملكة العربية السعودية (۲۰۰۹)، الرسالة الموجهة الى وزارت خارجية دولت الامارات العربية المتحدة الشقيقة و تشير الى مذكرة وزارت خارجية دولت الامارات العربية المتحدة الشقيقة رقم و كسرى ۳۳۱-۲/۶/۳ و تاريخ ۲۰۰۸/۸/۲۰ و تود حكومة المملكة العربية السعودية ان تؤكد على ما ورد في مذكرتها رقم ۲۸۰۶۰۳۹۴/۱۸/۹۷ و تاريخ ۲۰۰۷/۵/۲۳ م.
۴. وزارت خارجية المملكة العربية السعودية (۲۰۰۹)، الرسالة الموجهة الى وزارت خارجية دولت الامارات العربية المتحدة الشقيقة، اعتراض على قرار مجلس وزراء دولة الامارات العربية المتحدة رقم (۲۰۰۹-۵) المتضمن اعلان خطوط الاساس المستقيمة لجزء من ساحل دولة الامارات العربية المتحدة.
۵. وزارت خارجية المملكة العربية السعودية (۲۰۱۱)، الرسالة الموجهة الى الامانة العامة للامم المتحدة، و تود الاشارة الى مذكرة وزارت خارجية دولت الامارات العربية المتحدة رقم (۳۶۸-۲/۶/۳) و تاريخ ۲۰۱۰/۵/۵ م الموجهة الى الامانة العامة للامم المتحدة، بشأن خطوط الاساس للمناطق البحرية للمملكة العربية السعودية.
۶. وزارت خارجية دولت الامارات العربية المتحدة (۲۰۰۹)، (۱۰ محرم ۱۴۳۱ / ۲۷ ديسمبر ۲۰۰۹)، الرسالة الموجهة الى الامانة العامة للامم المتحدة- مكتب معالي الامين العام- نيويورك، بالاشارة الى رسالة الوفد الدائم للمملكة العربية السعودية لدى الامم المتحدة.
۷. وزارت خارجية دولت الامارات العربية المتحدة (۲۰۰۹)، (۲۰۰۹ / ۱۱/۱۲)، الرسالة الموجهة الى الامانة العامة للامم المتحدة- مكتب معالي الامين العام- نيويورك، بالاشارة الى رسالة الوفد الدائم للمملكة العربية السعودية لدى الامم المتحدة بتاريخ ۱۳ اغسطس ۲۰۰۹ م.

۸. وزارت خارجیة دولت الامارات العربیة المتحدہ (۲۰۰۹)، (۲۳ جمادی الاخرہ ۱۴۳۰)، الرسالہ الموجهة الی الامانة العامة للامم المتحدہ- مكتب معالی الامین العام- نیویورک، بالاشارة الی مذکره الوفد الدائم للمملکة العربیة السعودیة لدى الامم المتحدہ رقم OLA/UN/۲۲۵ به تاریخ ۱۶ مارس ۲۰۰۹.
۹. وزارت خارجیة دولت الامارات العربیة المتحدہ (۲۰۱۱)، (۱۷ نوامبر ۲۰۱۱)، الرسالہ الموجهة الی الامانة العامة للامم المتحدہ- مكتب معالی الامین العام- نیویورک و تشير الی مذکره خارجیة المملکة العربیة السعودیة رقم ۲۱۷۷۸۲/۱۸/۹۲ به تاریخ ۲۰۱۱/۶/۱۵.

۴. اسناد انگلیسی

1. Agreement between Qatar and Abu Dhabi on the settlement of maritime boundaries and ownership of islands , 20 March 1969 (entry into force: 20 March 1969; registration I-43372; registration date:14 December 2006.
2. Offshore Boundary Agreement between Iran and Dubai, 31 August 1974.
3. Saudi Arabia (2007), Communication dated 11 April 2007 concerning the Agreement between Qatar and Abu Dhabi on the settlement of maritime boundaries and ownership of islands , 20 March 1969
4. Saudi Arabia (2009), Communication from the Ministry of Foreign Affairs of Saudi Arabia, transmitted by a letter dated 13 August 2009, from the Permanent Representative of Saudi Arabia to the United Nations addressed to the Secretary-General of the United Nations (Law of the Sea Bulletin No. 71)
5. Saudi Arabia (2009), Note verbale dated 7 November 2009 from the Ministry of Foreign Affairs of the Kingdom of Saudi Arabia addressed to the Ministry of Foreign Affairs of the United Arab Emirates
6. Saudi Arabia (2009), Note verbale dated 9 August 2009 from the Ministry of Foreign Affairs of the Kingdom of Saudi Arabia addressed to the Ministry of Foreign Affairs of the United Arab Emirates
7. UAE Ministry of Foreign Affairs (1980), Declaration of the Ministry of Foreign Affairs concerning the Exclusive Economic Zone and its delimitation of 25 July 1980.
8. United Arab Emirates (1993), Federal Law No. 19 of 1993 in respect of the delimitation of the maritime zones of the United Arab Emirates, 17 October 1993.
9. United Arab Emirates (1994), Circular No. 34 of 1994 concerning the entry of vessels into the seaports of the United Arab Emirates and their departure therefrom, 24 May 1994
10. United Arab Emirates National Transport Authority (2010)(3/1/P/1-2010/265, National Legislation on Piracy And Armed Robbery.
11. United Arab Emirates the Cabinet (2009). Council of Minister's Decision No (5) 2009 in respect of the Application of the Straight Baselines System to a Part of the Coast Of the United Arab Emirates.
12. United Arab Emirates (2009), Note dated 12 November 2009.
Saudi Arabia (2009), Note dated 16 November 2009 containing a response of Saudi

Arabia to the memorandum of the United Arab Emirates concerning the Joint Minutes on the land and maritime boundaries to the Agreement of 4 December 1965 between the State of Qatar and the Kingdom of Saudi Arabia on the delimitation of the offshore and land boundaries, 5 July 2008

13. United Arab Emirates (2009), Note dated 16 June 2009 concerning the Joint Minutes on the land and maritime boundaries to the Agreement of 4 December 1965 between the State of Qatar and the Kingdom of Saudi Arabia on the delimitation of the offshore and land boundaries, 5 July 2008
14. United Arab Emirates (2009), Note dated 27 December 2009
United Arab Emirates (2011), Communication dated 17 November 2011
United Nations, (1974), Saudi Arabia and United Arab Emirates, Agreement on the delimitation of boundaries (with exchange of letters and map), Signed at Jeddah, Saudi Arabia, on 21 August 1974 ,Treaty Series, Vol. 1733. 1-30250
15. United Nations, Doalos/Ola (1968), Offshore boundary agreement between Abu Dhabi and Dubai, 18 February 1968.

Archive of SID